



عکس: Getty Images

توافق امنیتی اسرائیل با دولت جولانی تنش ها با آنکارا را کاهش نمی دهد

رویارویی اجتناب ناپذیر ترکیه و اسرائیل؟

حکومت دمشق سخن گفته‌اند.

هفته گذشته، اسعد حسن الشیبانی، وزیر امور خارجه جولانی با هیأتی اسرائیلی به رهبری ران درمر، وزیر امور استراتژیک در پاریس دیدار کرد. به گزارش خبرگزاری عربی سوریه، این گفت‌وگوها بر کاهش تنش و توافق‌هایی دیگر متمرکز بود.

ترکیه در پس زمینه

روز یکشنبه، الجولانی گزارش‌ها درباره مذاکرات «پیشرفته» دولتش با اسرائیل برای توافقی امنیتی بر اساس خطوط جدایی ۱۹۷۴ بین اسرائیل و سوریه را تأیید کرد. دفتر ریاست جمهوری سوریه در بیانیه‌ای گفت که روز دوشنبه، او در دمشق با تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا برای سوریه دیدار کرد. باراک یک روز پیش از آن در اسرائیل با نتانیاوو دیدار کرده بود.

باراک به اکسیوس گفت: «اسرائیل

و سوریه با حسن‌نیت درباره توافق امنیتی احتمالی گفت‌وگو می‌کنند. آنها نیت و تمایل متقابلی دارند، اما هنوز کارهای بیشتری باید انجام شود. گفت‌وگوی سازنده بین آنها راهی برای رسیدن به تفاهم پایدار است.»

با این حال، یک منبع ارشد امنیتی اسرائیل به المانی‌تور گفت که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه نفوذ کشورش در سوریه را واگذار نخواهد کرد. این منبع افزود که رژیم صهیونیستی، هاگان فیدان وزیر امور خارجه اردوغان را کسی می‌داند که عملاً الجولانی را «مدیریت» می‌کند. این منبع امنیتی اسرائیلی که به شرط ناشناس ماندن سخن گفت، اظهار کرد که رویکرد و سیاست ترک‌ها بر اساس تفکر نوع‌مانی آنها برای احیای نفوذ ترکیه در سراسر حوزه مدیترانه پیش می‌رود. اردوغان حامی کلیدی گروه تکفیری جولانی

بوده و اولین کشوری بود که هنگام به قدرت‌رسیدنش از او حمایت کرد. او استدلال کرد که بنابرین، حتی ایالات متحده نیز نمی‌تواند شکافی بین سوریه و ترکیه ایجاد کند. او افزود: «این هدف باراک نیست. او در تلاش بوده تا خطوطی برای تعیین حدود بین ترکیه و اسرائیل ترسیم کند و همچنین خطوط قرمز را مشخص کند.»

اسرائیل و دولت موقت الشرع منافعه ویژه‌ای در توافق امنیتی دارند. جولانی به دنبال رسمیت بخشیدن بین‌المللی دولت خود و سرازیرشدن کمک‌ها به سوریه است. در همین حال، اسرائیل می‌خواهد جنوب سوریه را غیرنظامی‌سازد و با ایجاد خط حائل از استقرار تسلیحات

استراتژیک در این منطقه جلوگیری کند.

با این حال، یک منبع دیپلماتیک ارشد اسرائیلی هشدار داد تال اوپو

ممکن است با ائتلافی تحت رهبری اخوان المسلمین که از قطر و از طریق دمشق تا آنکارا امتداد دارد، روبه‌رو شود. این منبع دیپلماتیک افزود: «ترکیه عضو ناتو و بسیار نزدیک به دولت ترامپ است. اگرچه اردوغان اسرائیل را دشمن معرفی کرده، ما هیچ قصدی برای جنگ با ترکیه نداریم؛ اگرچه در خاورمیانه هر چیزی ممکن است.»

اسرائیل عمدتاً نگران حضور نظامی ترکیه در سوریه، به ویژه در منطقه کردنشین شمال است که احتمال دارد به سمت جنوب گسترش یابد.

یک منبع ارشد اطلاعاتی سابق اسرائیل به المانی‌تور گفت: «ترکیه اکنون به دنبال تسلط بر بازسازی ارتش سوریه هست؛ اگرچه تلاش‌های آنکارا در آذربایجان با موانع جدی مواجه شد اما در سوریه، این امر واقع‌بینانه‌تر به نظر می‌رسد، بنابراین اسرائیل باید مطمئن شود که کنترل



یک منبع

ارشد امنیتی

اسرائیل به

المانی‌تور

گفت که

رجب طیب

اردوغان،

رئیس‌جمهوری

ترکیه نفوذ

کشورش

در سوریه

را واگذار

نخواهد کرد.

این منبع

افزود که رژیم

صهیونیستی،

هاگان

فیدان وزیر

امور خارجه

اردوغان را

کسی می‌داند

که عملاً

الجولانی را

«مدیریت»

می‌کند

را از دست ندهد.» او افزود: «مرد کلیدی فیدان است. افراد زیادی در اسرائیل او را خوب می‌شناسند. او مرد بسیار جدی اما بسیار مصمی است. او می‌خواهد سوریه را به نیروی نیابتی ترکیه تبدیل کند.»

به طور کلی، نهادهای امنیتی و سیاسی در اسرائیل از توافق امنیتی با سوریه حمایت می‌کنند، اما نه به هر قیمتی و تحت هر شرایطی. یک مقام ارشد امنیتی سابق اسرائیل به المانی‌تور گفت: «به اردنی‌ها توجه کنید. آنها بسیار به سوریه مشکوک هستند. برخلاف ما، آنها مرز را برای کمک به دروزی‌ها باز نکردند، به الجولانی اعتماد ندارند و متقاعد نشده‌اند که او تروریستی در لباس غربی نیست. آنها اکنون برای اولین بار به سربازی اجباری در ارتش اردن روی آورده‌اند و این نشان‌دهنده سطح بدبینی آنهاست.»

منبع: Al Monitor



پل زدن بر شکاف

برش

سوریه‌ها خواستار عقب‌نشینی اسرائیل به خطوط آتش پس ۱۹۷۴ هستند که یک سال پس از جنگ آنها برقرار شد. از سوی دیگر، اسرائیل بر حفظ حضور خود در منطقه استراتژیک سوری یعنی کوه هرمن همراه با غیرنظامی‌سازی کامل بلندی‌های جولان سوریه، بین درعا و مرز سرزمین‌های اشغالی اصرار دارد.

اسرائیل همچنین خواستار تضمین‌هایی برای امنیت اقلیت دروزی سوریه است؛ به ویژه پس از کشتار ماه گذشته که گفته می‌شود نیروهای جولانی در آن دخیل بوده‌اند. نفوذ اقلیت دروزی‌های ساکن اراضی اشغالی از آنجایی مشهود بوده که شیخ موفق طریف، رهبر معنوی آن به هیأت اسرائیلی در پاریس پیوست.

طرفین درباره ایجاد کردبوری از اسرائیل به منطقه دروزی‌ها در جنوب سوریه بحث کردند، اما این پیشنهاد با مخالفت‌هایی از سوی دمشق و برخی صهیونیست‌ها مواجه است. مخالفان در اسرائیل هشدار می‌دهند که چنین اقدامی عملاً اسرائیل را مسئول امنیت و رفاه دروزی‌های سوریه خواهد کرد.

اسرائیل امیدوار است با تزریق میلیاردها دلار به سوریه با هدایت ایالات متحده و بودجه کشورهای حوزه خلیج فارس، نفوذ ترکیه را خنثی کند.



بین‌الملل تثبیت کند.

با وجود مواضع تند، تحلیلگران معتقدند فشارهای واشنگتن علیه دهلی‌نو بیش از آنکه صرفاً به جنگ اوکراین مربوط باشد، به عوامل تجاری و اقتصادی پیوند خورده است. ترامپ از مدت‌ها پیش کسری تجاری آمریکا با هند را دستاویزی برای فشار بر دهلی‌نو قرار داده است. در سال‌های اخیر، هند تلاش کرده با خرید بیشتر انرژی و تجهیزات دفاعی از آمریکا، این کسری را تا حدی جبران کند؛ اما به نظر می‌رسد نفت روسیه اکنون بهانه‌ای تازه برای واشنگتن است تا فشارهای تجاری خود را تشدید کند.

به گفته «آچی سروپاستاوا»: کارشناس تجارت جهانی در دهلی‌نو، «تعرفه‌های پیشنهادی ترامپ برای واردات نفت روسیه توسط هند کاملاً ساختگی است. اگر فردا ترامپ و پوتین برسر اوکراین توافق کنند، ایالات متحده بهانه دیگری برای تعرفه بر هند پیدا خواهد کرد.» این نگاه نشان می‌دهد موضوع نفت روسیه بیش از آنکه یک دغدغه امنیتی باشد، ابزاری برای مذاکرات تجاری و تنظیم موازنه روابط اقتصادی میان واشنگتن و دهلی‌نو است.

روشن‌ساز کلام

پرونده واردات نفت روسیه توسط هند به نقطه‌ای حساس در روابط این کشور با ایالات متحده رسیده است. درحالی که واشنگتن از «آرپیتراز هندی» سخن می‌گوید و دهلی‌نو را به سودجویی از جنگ متهم می‌کند، واقعیت این است که آمریکا و اروپا خود از بزرگ‌ترین خریداران فرآورده‌های پالایش‌شده هند هستند. به بیان دیگر، نفت روسیه اگرچه به ظاهر از مرزهای غربی طرد شده؛ اما از مسیری پالایشگاه‌های هند بار دیگر به بازارهای اروپایی و آمریکایی راه یافته است.

این تناقض آشکار، ضعف سیاست تحریم انرژی غرب و دشواری مهار روسیه در بازار جهانی نفت را به نمایش می‌گذارد؛ بازاری که در آن هند توانسته از بحران اوکراین فرصتی تازه برای تقویت استقلال اقتصادی و سیاسی خود بسازد.

بدون روتوش



محمد محسن فاضلی

کارشناس مسائل فلسطینی

اسرائیلی‌ها واسنپ بک

سازوکار ماشه یا همان اسنپ بک از زمان تصویب برجام در سال ۲۰۱۵ از موارد مورد بحث و اختلافی در میان تحلیل‌گران و رسانه‌ها بود. اکنون با سررسیدن زمان ده ساله این سازوکار در اکتبر ۲۰۲۵، کمتر از چند روز دیگر تکلیف اجرایی شدن و شلیک ماشه باید مشخص شود. ابتدا این پی نوشت لازم است ذکر شود که این یادداشت توصیه‌ای به تمدید یا عدم تمدید برجام نیست و تنها روایت نگاه اسرائیلی‌هاست.

۳ کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس از حدود چند ماه قبل موضع‌گیری شان در تهدید به اجرایی کردن اسنپ بک را شروع کردند و پس از اتفاقات جنگ ۱۲ روزه ایران با اسرائیل آمریکا جدی‌تر و شفاف‌تر هم شد. البته واکنش وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و آقای عراقچی هم تاکنون واکنشی واضح و مشخص بوده است. اول آنکه به واسطه رفتار اروپاییان در مسأله برجام و همچنین وضعیت کنونی برجام، سخن گفتن از شلیک ماشه در حالی که برجامی در دست اجرا وجود ندارد، غیر حقوقی است و تنها یک باج‌گیری سیاسی است.

در این میان از سوی برخی بازیگران از جمله روس‌ها و حتی اروپایی‌ها مسأله تمدید ۶ ماهه برجام مطرح است. براساس طرح روس‌ها پس از تمدید ۶ ماهه، سازوکار ماشه ملغی می‌شود و فرصت اروپایی‌ها برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل خواهد سوخت.

اما سناریوی مطلوب اسرائیلی‌ها تاحدودی واضح و عیان است و آن اجرایی کردن ماشه است. دوشنبه هفته گذشته ساعر وزیرخارجه اسرائیل در حاشیه نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل با وزیران خارجه آلمان و فرانسه دیدار کرد و از آنها خواست که ماشه را فعال کنند.

سیمنا شین مسئول میز ایران در اندیشکده مطالعات امنیت ملی اسرائیل و رئیس سابق بخش تحقیقات موساد در یادداشتی می‌نویسد: «تهران اکنون باید سیاست هسته‌ای خود را تحت فشار شدید زمانی تدوین کند - بین اولتیماتوم ترامپ و تهدید کشورهای اروپایی برای تمدید تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل با فعال کردن بند اسنپ بک. اسرائیل ترجیح می‌دهد هیچ توافق جدیدی حاصل نشود، تا حدی به دلیل نگرانی از اینکه هر توافق جدیدی بدتر از توافق قبلی خواهد بود. با این حال، این سناریو هم اسرائیل و هم ایران را در وضعیت عدم اطمینان و بدون نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار می‌دهد.»

شین در بخش پایانی یادداشتش به واقعیت و پیامدهای جنگ ۱۲ روزه هم اشاره می‌کند و در تحلیل رفتار ایران می‌نویسد: «تصمیمات مرتبط با انرژی هسته‌ای که ایران باید در ماه‌های آینده بگیرد، در منافع متعدد و - و کاهش متضاد - گره خورده است. این جنگ برای ایران روشن کرد که سیاست مذاکره با واشنگتن در دوران ریاست جمهوری ترامپ یک شکست و یک تله خطرناک است. این جنگ ارزیابی دیرینه آیت الله خامنه‌ای را تقویت کرد که ایالات متحده به دنبال تغییر رژیم است نه توافق هسته‌ای. در این شرایط، دشوار است که فرض کنیم ایران درخواست دولت ترامپ برای توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران را بپذیرد.»

پیش از این رسانه‌های عبری از درخواست نتانیاوو از ترامپ برای مانع نشدن در اجرایی شدن مکانیسم ماشه خبر داده بودند. آنچه از کلیات فضای رسانه‌ای و موضع‌گیری‌های صهیونیست‌ها برمی‌آید این است که آنان معتقدند مسیر کنترل برنامه هسته‌ای ایران برآمده از مجموع اقدامات سخت و تشدید فشار و تحریم‌ها با هدف آشوب و افزایش نارضایتی داخلی است. صهیونیست‌ها بازگشت تحریم‌ها را یک فرصت برای تشدید فشار اقتصادی و نارضایتی می‌دانند. هدفی که به نظر می‌رسد اکنون سناریوی اولویت‌دار صهیونیست‌هاست. تل آویو و جریان غرب یکی از خلأها و اشتباهات جدی خود را، عدم تفرقه داخلی در دوران ۱۲ روز جنگ نظامی می‌انند و هر پروژه‌ای را که به این مسأله کمک کند، به عنوان راه‌حل موقت و فوری دنبال و پیگیری می‌کنند.